



السلام ای سجده ی نورانی سجاده ها

السلام ای رنج دیده در زمین کربلا

السلام ای همسفر با دختر آلاله ها

السلام ای پایِ خونی در ره پر داغ شام

السلام ای نور دل پیچ فضای کربلا

رأس بابا روی نی انقدر جان دادن نداشت

از نظر بر گردن پاره تو نالان می شدی

وقت رگبار لگد بر جسم بیمار حسین

حق تو شام بلا و کوچه و بازار نیست

السلام ای هم قبیله با دل افتاده ها

السلام ای دل بریده از همه دلداده ها

السلام ای خورده از دست بلایا باده ها

السلام ای عشق باز وادی آزاده ها

اربا اربا دیده در کرب و بلا شهزاده ها

تو نگو حتی سر او نای افتادن نداشت

تا که زینب ناله می زد زار و گریان می شدی

کم گمک روح از تنت می رفت و بی جان می شدی

کاش شاه یکه تاز ملک ایران می شدی

آقا! امروز میلاد توست؛

میلاد ششمین قافله معصوم، چهارمین اشراق امامت، اولین زینت نماز...

سجاده سجاد، پر می شود از بوی خلسه روزهایی دیگر...

تو دم به دم بر آسمان دعا، ستاره می پاشی، ماه مهربان.

می گویم آقا! یادم می دهی «بسم الله» را چطور بگویم

که شانه هایم از برکات حرف اولش بلرزند؟ یادم می دهی

صحیفه کدام درخت طور عاشقی است؟

امروز میلاد ققنوس هاست در آتش عشق تو.

خاکستر کدام سوره خوانی سبزه بوده اند

که این گونه به آسمان بال تازه می زنند؟

شنیده ام پیاده می رفتی به خانه عشق، از این

سوی سرزمین وحی تا به دوست برسی!

آقا! این همه مرکب داریم و پاهایمان نمی کشد!

نشان بده که تولا چگونه است؟

از توکل، کوله بار عنایتان را پُر کن

و با عشق آسمانی ات، ما را شفاعت!

می دانم تو آمده ای تا بفهمم خورشید چقدر کوچک است!

آمده ای تا شهاب های ثاقب ذکر بر جان دیو و شیاطین بنشیند.

آمده ای که تقدیر ملکوتی دست هایت

بر سر غریبه های غمگین بنشیند.

امام صبور گریه ها و رکوع ها، امام مهربان سجده ها و سلوک ها، سجاده ها دارند یاس می پاشند و گل محمدی؛

به برکت این که تقدیستان خواهی کرد.

ای کرامت جاری در ثانیه های آغاز!

می خواهیم از آغاز مردی بگویم که وارث هزاران

زخم است؛ اما شکر، آستانه دست هایش را می بوسد.

می خواهیم بروم یک گوشه دنج مسجد، صحیفه

را باز کنم و به شکرانه چهارمین امام اشراق سجده کنم.

مدیریت حوزه مدیرعامل و ارتباطات